



بازی و آموزش



دکتر فریدالدین حداد عادل

مسائل است. به همین دلیل، برخی انتخاب‌های او حتماً مخرب و مشوش باشند.

۳. کودک شناخت و تحلیل اجتماعی ندارد، اما کلاس و مدرسه در حد خویش محیط اجتماعی محدودی است که از همین امر بخشی از فرایند اجتماع‌پذیری و کنترل اجتماعی اطفال در آن شکل می‌گیرد. دانش‌آموز آزاد بدون مرز، در چنین محیطی، هم آسیب می‌بیند و هم آسیب وارد می‌کند و نظام تربیتی نیز مختل می‌شود.

۴. اگر برنامه‌ریزی و حرکت به سمت روش تربیتی بازی‌محور کاملاً حساب‌شده نباشد، تبعات اجتماعی و آموزشی آن اسفناک خواهد بود، چون گاهی مختار و آزادبودن همسایه بی‌مبالاتی، بی‌برنامگی و عقب‌ماندگی از نظم و الگوی واحد است. چنین رویکردی عواقب بسیار خطرناکی دارد.

روی دیگر سکه اهمیت آزادی، ورود به عرصه آموزش خلاق، فعال، خودانگیخته و همراه با انگیزه‌های درونی است. قدرت «انتخاب» اکسیر موفقیت است و بازی تجلی انتخاب و آزادی و خودانگیختگی. مدرسه بدون بازی فاقد عنصر خودانگیختگی است و این در آینده زندگی انسان نقش مبنایی و اساسی دارد. امروزه خیلی از متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که به‌کارگیری مفهوم «بازی»، اگرچه در ظاهر از انضباط (دیسسیپلین) حاکم در ساختار آموزش می‌کاهد، اما پنجره‌های جدیدی فراروی «مدرسه» و مدرسه‌داری می‌گشاید. کودکان با خوش‌حالی و انتخاب به مدرسه می‌آیند و فعالانه به تکاپوی آموزشی و تربیتی می‌پردازند و تعلیم و تربیت بیشتر به سمت آموزش قواعد و روش‌ها می‌رود تا آموزش و انتقال داده‌های محض علمی. اگر کسی مختارانه در مدرسه با بهره‌گیری از خودانگیختگی در محیط فیزیکی و روانی مطبوع حضور مستمر داشته باشد، حتماً برای فتح قله‌های آینده مستعدتر و آماده‌تر است. در این شماره دو روی سکه توجه به بازی را با هم مرور می‌کنیم.

آموزش و آموختن بازی نیست، اما بازی نقش مهمی در آموختن بهتر و آموزش درست‌تر دارد. طبق معمول، وقتی مفهوم جدیدی وارد عرصه تعلیم و تربیت می‌شود، گرفتار سوءتفاهم‌ها و برداشت‌های غلط و افراط‌وتفریط می‌شود. اکنون در برخی مدرسه‌ها آن‌قدر بازی و مفاهیم ریشه‌ای‌تر آن یعنی آزادی و انتخاب رواج یافته‌اند و به مفاهیم مسلط و مستقر تبدیل شده‌اند که مفاهیم دیگر نظیر نظم، انضباط، سخت‌گیری آموزشی و تربیتی اعتبار خود را از دست داده‌اند. در دهه‌های نخستین آموزش نوین (مدرن) در ایران، سخت‌گیری و جدیت در نظام آموزشی الگوی رفتاری نظام تعلیم و تربیت بود. دانش‌آموز خوب آن کودکی بود که زود و به‌خوبی می‌فهمید. مدرسه و معلم با همه زمختی‌ها و سخت‌گیری‌ها راه ترقی و رشد را هموار می‌کردند. امروزه رویکردها تغییر کرده‌اند و بازی نقش در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و مدرسه‌ای قابل ملاحظه‌ای دارد. بازی علامت و نشان آزادی کودک است و دانش‌آموز آزاد می‌تواند انتخاب کند و انتخاب‌کنندگی مقدمه بالندگی رشد سریع کودک است. اما ورود به این عرصه در مواقعی تبعات منفی شدید داشته است. مدرسه و معلم وقتی به حوزه آزادی و اختیار ورود می‌کنند، دستاوردهای چشمگیری به دست می‌آورند، اما در پذیرش و مواجهه با چهار پدیده منبعث از پذیرش دانش‌آموز آزاد و آزادی کودک دچار اختلال و اخلال در مدرسه‌داری می‌شوند:

۱. کودک آزاد آیینة والدین خویش است و اگر آزادی او را بپذیریم، بر اشاعه و ترویج فرهنگ رفتاری خانواده در مدرسه مهر تأیید زده‌ایم. در نهایت باید از الگوی واحد خود عدول کنیم، چرا که به تعداد دانش‌آموزانمان مدل و الگوی رفتاری داریم و اگر مجبور نباشیم به کلیت آن‌ها بها بدهیم، مجبوریم خرده‌فرهنگ‌های زیادی را در محیط محدود آموزشی به رسمیت بشناسیم.

۲. آزادی دانش‌آموز بدون درک انتزاعی از موضوعات و